

پور کا

بیٹن الہی



لورکا

(گزیده‌ی اشعار فدريكو گارسيا لورکا)
با شش افزوده‌ی منشور

نگارش
بيژن الهی

از گزارش یدالله رویایی، فرهاد آرام (بیژن الهی)، بهمن فرزانه، ا. اسفندیاری (بیژن الهی)
با همکاری
غفار حسینی، اسماعیل نوری علاء، فرانک هشترودی



مشتري بيككل



Bidgol Publishing co.

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پلاک ۱۲۷۴
تلفن فروشگاه: ۶۶۹۶۳۶۱۷، ۶۶۴۳۵۴۵. تلفن اشعارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷
bidgolpublishing.com

نورکا

نگارش: بیژن الهی

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان

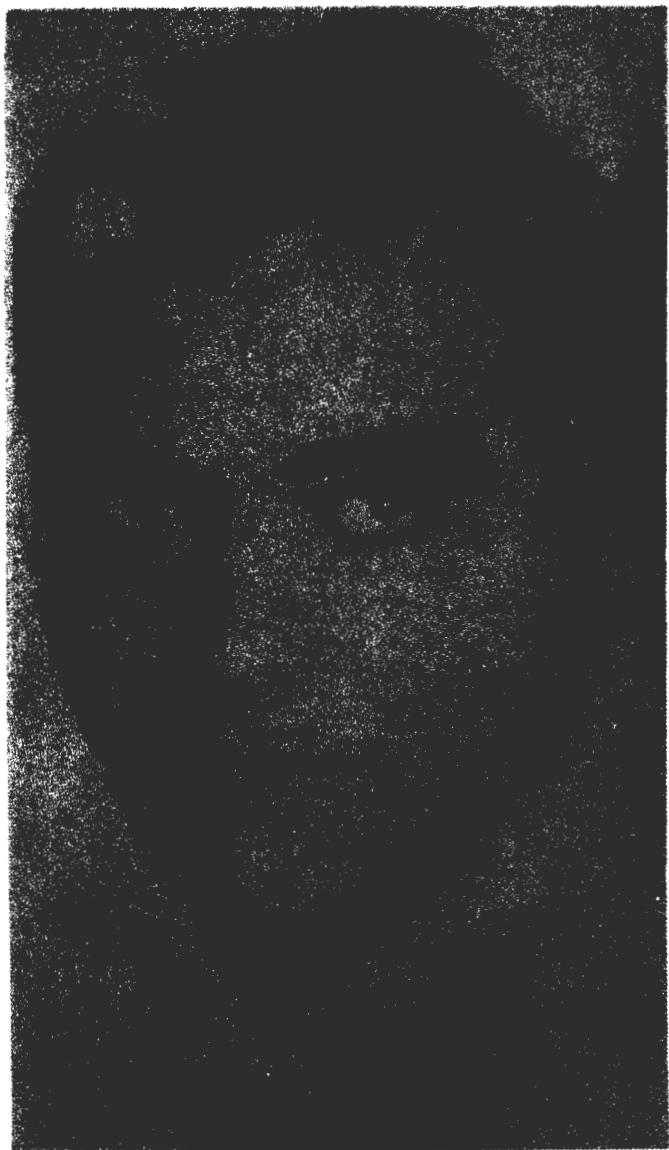
صفحه آرایی: آلا شویر

مدیر تولید: مصطفی شریفی

چاپ اول، ۱۳۹۸ تهران، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۰۱-۱۹-۷

همه حقوق چاپ و نشر برای سلمی الهی محفوظ است.



Se ha quebrado el viol
Entre nubes de cobre
De los montes azules llegas más sereno
En el punto del cielo
Entre floras de estrellas
Vela tuera en un instante
Como un gasfo de oro.

Botel campo (que voyon los tiempos)
Voy gorgoteo de pena
Por el galimio solo
Por el amor mis
Un voz meo caute
El meo poron oculto
En deslucio sin fondo.

Caro de mano blanca
Sobre mi frente pia
¡Omnis que meo sero
Caro de mis ojos!

این مجموعه به دو بهر شده ست: نخست «سروده‌ها»، شامل صد و پنچ شعر برگزیده (کمابیش یکچهارم شعرهای لورکا)، و سپس «افزوده‌ها»، شامل سه گفتار (خطابه) شاعر و سه نوشته در باره‌ی او. «تذکارنامه» (ی مربوط شعرها) در پایان سروده‌ها آمده‌ست و «مآخذ» در پایان افزوده‌ها.

اما «سروده‌ها»: آنچه یدالله رویایی از متن فرانسوی گزارده این‌هاست: وارباسیون، ترانه با حرکت، شب و دلاشویی، ترانه‌ی کوچک نخستین آرزو، فریاد، خنجر، چارراه، آی، نابیوسان، سوله‌آ، کماندارها، سه ویل، توطئه، پیهسوز، مرگ عشق، همه‌ی شعرهای «شاعر در نیویورک» (به‌جز «شاه‌هارلم» و «کودکیت درماتون» و «آواز سیاهان کوبا»)، افاقیا، کندو، شمال، جنوب، حیاط، نماد، آیینی بزرگ، انزوا؛ روبهم سی و سه شعر.

آنچه بهمن فرزانه از متن اصلی (اسپانیایی) گزارده این هاست: گندمزار، دو ترانه‌ی زرد (دو شعر)، شکارچی، گوشماهی، آده‌لینا به گلگشت، نامزدی، غروب، لحظه، رقص، نخستین مرداب؛ رویهم یازده شعر (این جا چند اشکال بود که، به علت مسافرت بهمن فرزانه، با نگاه به متن فرانسوی بر کنار شد)؛ و آنچه ا. اسفندیاری از متن فرانسوی گزارده: میزان، ترانه‌ی اندلسی، وولن، نرگس، به گوش دختری جوان، خوان بره‌وا، سه درخت سرنگون، غزل بازار صبحگاهی، کودکی در مانتون، آواز سیاهان کویا، شینتو؛ رویهم یازده شعر. فرهاد آرام رویهم پنجاه شعر از متن انگلیسی گزارده‌ست: مرثیه برای ایگناسیو (چهار شعر)، شاه هارلم، همه‌ی شعرهای «افسانه‌ی کولی» (به جز «مرگ عشق»)، همه‌ی شعرهای «دیوان تاماریت» (به جز «غزل بازار صبحگاهی»)، و دیگر شعرها - هرچه هست.

پس از گزارش (گردانده‌ی خام واژه به واژه)، همه‌ی شعرها به دست بیژن الهی بازنویس و نگاشته شده‌ست، و بهنجار و متشکل، و به این گونه که هست در آمده.

همه‌ی شعرهایی که از «افسانه‌ی کولی»، «شاعر در نیویورک»، «دیوان تاماریت» و «شعرهای پراکنده» به این‌جا در آمده‌ست، با متن ایتالیایی برابر شده، و هرجا میان دو متن اختلافی بوده به متن اسپانیایی دید رفته‌ست (از آقای بهمن محمص که این مقابله به یاری دوستانه‌ی ایشان انجام گرفت سپاسگزاری می‌شود). از میان دیگر شعرها (به جز یازده شعری که بهمن فرزانه از متن اسپانیایی گزاشت)، هژده شعر (که متن اسپانیایی‌شان در دست بود) با متن اسپانیایی برابر شده‌ست. و اما در گرداندن «مرثیه برای ایگناسیو»، به جز گردانده‌ی انگلیسی، دو گردانده‌ی فرانسوی، و یکی ایتالیایی، در کار بوده است و سپس پاره‌های ناهمسان در متن‌ها با متن اسپانیایی برابر شده. از این گذشته، نگارنده خود، به دریافت شکل مادی و واژه‌ها، آهنگشان، پیشی‌و‌پسی‌شان در جمله‌ها، چگونگی‌ی

قافیه‌ها، و تقطیع، بیش‌تر آنچه را که از متن‌های اصلی در دست بوده، به دقت، واژه به واژه، از پیش چشم گذرانده‌ست (به ویژه «افسانه‌ی کولی» را و «مرثیه برای ایگناسیو» را) و اشکال‌ها را از بهمن فرزانه و از بهمن محمص یاری جسته.

به‌جز بیش‌تر شعرهای ویژه از جهت شکل کتابت، چندی از دیگر شعرها را با تقطیعی دیگرگون می‌بینید. این دگرگونه کردن تقطیع در جهت آهنگی‌ست که به فارسی شعر داده شده.

نیز خواسته بود که شیوه‌ی نويس یکسره یکدست باشد، و نشد: مثلاً جایی «می‌آید» می‌بینید و جای دیگر «می‌آید»، که نخستین با تیکه به روی «آ» ادا می‌شود و دومین بدون تکیه به‌روی حروف. همچنین، نوشتن به پیروی از شیوه‌ی خواندن، «است» و «اند» را مثلاً در «سپاس جا، ست» و «ند» ساخته‌ست؛ گاه هم دلشوره‌ی این که شاید فلان واژه ناخوانا شود، در شیوه‌ی نويس دوگانگی انداخته.

در آوردن نام‌های خاص هم آشفته‌گی روی نمود، از آن‌رو که نگارنده زمین‌های پذیرش آهنگ‌ها را که به شعرها داد پیش چشم گرفت. مثلاً از Granada شکل تازی آن (غرناطه)، از Sevilla شکل انگلیسی آن (سه‌ویل)، و از Cordoba همین شکل اسپانیایی‌ش به کار آمد.

و اما درباره‌ی نگارش شعرها این تذکار بجاست که هر گامی فراتر از مرزهای معین دستور زبان فارسی نهاده شده (در آغاز و انجام «افسانه‌ی ماه، ماه» مثلاً) برای نزدیک‌تر شدن به گوشت واقعی شعر بوده است. آن‌جا که امکان خفه شدن شعر می‌رفت - در چارچوبی میرزا عبدالعظیمخانی، برتر شمرده شد چارچوب بشکند تا این که شعر خفه گردد (اساتید به بیسوادی تعبیر کنند).

و تذکاری دیگر: «دو ترانه‌ی زرد»، در اصل، «چهار ترانه‌ی زرد» بوده‌ست که دوتاش آورده شد: نخستین و چهارمین. و «نخستین مرداب» باره‌بی‌ست - یا شعری - از شعری که خود به شش شعر کوتاه بهر شده‌ست

و جزو «افسانه‌ی کولی» ست. این تکه میان «شعرهای پراکنده» برده شد، که با شعرهایی که از آن دیوان به این مجموعه درآمده‌ست ناهماهنگ می‌نمود. پس از شعرها «تذکارنامه» آمده‌ست، شامل یادداشت‌های نگارنده، املاء فرنگی‌ی نام‌های خاص و شرحی درباره‌ی آن‌ها - اگر می‌بایسته‌ست، و شرح واژه‌های فارسی (شاید) دورافتاده.

در متن شعرها هیچ شماره‌ی گذاشته نشد. در «تذکارنامه»، تذکارهای از آن هر شعری زیر نام همان شعر آمده‌ست و نام‌های شعرها ترتیب الفبا گرفته‌اند. نبودن نام شعری در «تذکارنامه» نشان می‌دهد که آن شعر تذکاری از آن خود نداشته‌ست. نیز شماره بر تذکارها تنها از آن رو نهاده شد تا در هم نیامیزند و از هم بازشناخته شوند.

و اما «افزوده‌ها»: شامل سه گفتار شاعر است و سه نوشته درباره‌ی او. از میان گفتارها «آواز ژرف» را ا. اسفندیاری به فارسی درآورده، از متن فرانسوی، با آزادی‌هایی در چند جا. جای گرفتن «آواز ژرف» در این مجموعه، با نگاه نخست، شاید بی‌هوده بنماید، اما از آن پس که دانسته باشد «آواز ژرف»، به راستی، زمینی‌ست که ریشه‌های شعری لورکا را پرورده، نه تنها بی‌هوده نمی‌نماید، بل که خواننده‌ی ایرانی شعرهای لورکا را، که با آن «زمین» بیگانه‌ست، سودمند تواند بود و، به گمان پردازندگان این کتاب، آمادگی‌ی بیش‌تری می‌بخشد برای خواندن شعرهای لورکا. پاره‌ی نخستین این گفتار، که در آن سخن از موسیقی می‌رود، به دوستی موسیقیدان و فرانسه‌دان سپرده شد، و او، برای تسهیل مطلب، بجا دانست که در چند جا قلمی برده شود، که برده شد.

«تخیل، الهام، گریز» هم از متن فرانسوی به فارسی برگشته‌ست، به دست دوستی که نخواست نامش به میان آید. از این گفتار در متن فرانسوی مجموعه‌ی گفتارهای لورکا دو گزارش گونه‌گون آمده بود و هر دو ناکامل. و آنچه در این جا می‌خوانید گردانده‌ی بی‌ست کمابیش آزاد از آمیزه‌ی این دو گزارش.

«آن»، که مهم‌ترین گفتار لورکاست، اساساً از روی گردانده‌ی انگلیسی‌ی J. L. Gili به فارسی درآمده‌ست، به دست غفار حسینی و به یاری بیژن الهی، اما در بسیار جا از گردانده‌ی فرانسوی‌ی A. Belamich، و در چندجا از گردانده‌ی انگلیسی‌ی B. Belitt، استفاده شده‌ست.

این سه «گفتار» درست همانند سه «مقاله» به فارسی درآمد، بدون قصدی بر این که به فارسی آن‌ها لحنی ویژه داده شود (البته، در این‌جا، «آن» اندکی مستثناست).

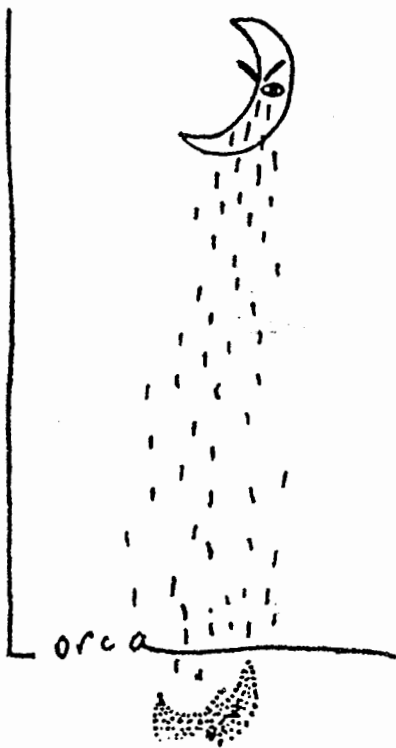
دیگر سه نوشته‌ست درباره‌ی لورکا: نخستین «دورنمایی از سرگذشت شاعر» (یک biography بسیار ساده) که اقتباسی‌ست آزادانه از نوشته‌ی J. L. Gili. دومین «چگونگی‌ی شاعر در نیوبورک» که نوشته‌ی Angel del Rio است و گردانده‌ی آزاد اسماعیل نوری‌علاء، و سومین «آخرین روزها و مرگ»، به اقتباس خانم فرانک هشترودی از کتاب «Enfances et mort de Garcia Lorca» نوشته‌ی M. Auclair.

در فهرست کتاب، برابر نام هر شعر نام گزارنده‌ی آن آمده‌ست.

به شاعران و شعرگردانان وطن
ایثار
می‌شود

سرودها

A Mapiñitiga. Dambon 1935



از

دفتر شعر

(۱۹۳۱)

ترانه‌ی روزی از روزهای ژوییه

زنگ‌های نقره
به گردن گاوان.

— کجا می‌روی،
زیبای برفی و آفتابی‌ام؟

— تا میناهای
علفزار سبز می‌روم.

— علفزار، دورِ دور است و
ترسناک.

— از سایه و ماهیخوار،
دلدار من نترسیده‌ست.

— بترس از آفتاب،
زیبای برفی و آفتابی‌ام.

– از گیسوان من رفته‌ست
حال برای همیشه.

– کیستی، دختر سپید؟
از کجا می‌آیی؟

– می‌آیم از عشق‌ها و
چشمه‌ها.

زنگ‌های تفره
به گردن گاوآن.

– چه می‌بری به دهان،
که شعله‌ورش می‌سازد؟

– ستاره‌ی دل‌داده‌ام
که می‌زید و می‌میرد.

– چه می‌بری به پستان‌ها،
چندین باریک و سبک؟

– شمشیر دل‌داده‌ام
که می‌زید و می‌میرد.

– چه می‌بری به دیدگان،
سیاه و موقر؟

– یادگار غمگینم
که همواره زخم می‌زند.

- چرا می‌پوشی
ردای مشگی می‌مرگ؟

- بیوه‌ام من، آه،
دل‌تنگ و تیره‌بخت،
بیوه‌ی کنتِ غارِ غارُبُنان!

- این‌جا جویای کیستی،
اگر به کسی مهر نمی‌ورزی؟

- جویای تین
کنتِ غارِ بُنان‌ام.

— پس تو مهر می‌جویی

بیوه‌ی بی‌وفا؟

امیدوارم

که بیایی.

— اخترکان آسمان

آرزوهای من است،

دلدادهی خویش را کجا خواهم یافت

که می‌زید و می‌میرد؟

— او مرده‌ست در آب،

دختر برف،

پوشیده به دلتنگی و

میخک‌ها.